



گفت و گو با

دکتر احمد بهشتی*

🗨️ : یکی از عوامل اثرگذار در موفقیت نشریه ها و مجله ها، توجه به مخاطب و مخاطب شناسی است. حضرت عالی، از این بُعد، چه ارزیابی از نشریه های حوزوی دارید و چه سفارشی به این نشریه ها در زمینه توجه به مخاطب و مخاطب شناسی.


● رسانه های تبلیغی و دینی و مذهبی، مخصوصاً حوزوی، باید مخاطبان خود را شناسایی کنند و وضع فکری مخاطب را در نظر داشته باشند. مخاطبان این نوع نشریه ها، غالباً، طلاب و فضلا هستند و مخاطبان دیگر آن هم، دانشجویان و سایرین که آنها هم، علاقه مند به دین و مذهب هستند.

این گونه نشریات باید در نظر داشته باشند طلاب، واقعاً، در جامعه امروز، به چه مطالبی، نیاز دارند.

* از شاگردان امام خمینی، محقق داماد و علامه طباطبائی. عضو مجلس خبرگان، نماینده مجلس شورای اسلامی، در دوره های اول و دوم. استاد حوزه و دانشگاه، دارای دکترای فلسفه از دانشگاه تهران. نویسنده و پژوهشگر. و دارای آثار گوناگون، از جمله: راه تکامل در هفت جلد (ترجمه التکامل فی الاسلام. این اثر با همکاری آقایان ادیب لاری و محمد امامی ترجمه شده است)، ترجمه مجمع البیان امین طبرسی (ج ۲، ۳ و ۴)، ترجمه جلد پنجم الامام علی صوت العدالة والانسانیه، تربیت کودک در جهان امروز، اسلام و حقوق کودک، انسان در قرآن، عیسی در قرآن، تأملات کلامی، فلسفه دین، گوهر و صدف دین و...

نشریه حوزه و نشریه های حوزوی، باید سعی کنند، جواب گوی نیاز طلاب جوان حوزه باشند. مسائلی که هم اکنون مطرح است، مانند: حقوق زن، فمینیسم و مسائل مربوط به حکومت. و این که به عنوان مثال، آیا حکومت اسلامی و ولایت فقیه نوعی از استبداد است، یا خود بهترین نوع دموکراسی است و مزایا و برتری آن بر تمام اشکال دموکراسی در دنیا چیست؟ یا نوع مسائلی که طلاب جوان و مبلغان در اقصی نقاط جهان و ایران، با آن روبه رویند و با افکار و افراد مختلف تحصیل کرده سروکار دارند.

خلاصه باید دید که طلاب جوان ما، دین و مذهب ما و حکومت اسلامی، از چه نواحی مورد حمله و انتقاد قرار می گیرند، تا این آقایان را در برابر آن حمله ها مجهز کرد. در عین حال، منافاتی ندارد که طبقه دیگری، غیر از طلاب؛ یعنی کسانی که نسبت به مسائل دین بی تفاوت نیستند و درد دین دارند و بعضاً هم دانشجو هستند، مطالعات دینی و گاه نقد و انتقاد دارند، مورد توجه باشند و مطالب متناسب برای پاسخ گویی به پرسش های آنان، در مجله دینی و حوزوی درج گردد.

 : نشریات دینی و حوزوی در کشور ما، چه فرایندی داشته اند و

این فرایند، چه آینده ای را برای ناظران متصور می سازد؟

● نشریات دینی در گذشته خیلی کم بود. به طور مثال زمانی که ما جوان بودیم، در کل کشور، یک روزنامه به نام ندای حق وجود داشت که خوب بود و من اشتیاق فراوان برای ارسال مطالب و نوشته هایم به این نشریه داشتم. البته بعدها نشریات دیگری هم اضافه شد و این انگیزه در خود حوزه به وجود آمد که حوزه باید، علاوه بر کتاب، به روشی دیگر، با مخاطبان خودش چه در داخل و چه در خارج، ارتباط و تعامل و مفاهمه و گفت و گو داشته باشد. این بود که مکتب اسلام نشریافت که اساس نشر آن، بر پایه یک احتیاج و نیاز بود. در همان سال ها بود که سالنامه مکتب تشیع، نشر یافت که به نوبه خود در اقناع مخاطبان خود،

مؤثر بود. الآن هم احساس می شود که با ازدیاد این گونه نشریات سؤالها و مخاطبان هم روبه افزایش است.

🕌 حضرت عالی، با نشریه های حوزوی همکاری داشته اید و پاره ای

از مقاله های شما در آنها چاپ شده، حال اگر از آن دوران خاطره ای دارید

که بیان گر اثرگذاری نوشته تان روی مخاطب است، بیان کنید و نیز

بفرمایید برای جذب مخاطب از چه روشهایی باید استفاده گردد.

● در سالهایی که مقاله هایی در مکتب اسلام می نوشتم، دانشجویی از آمریکا برای من نوشته بود:

«پدر من این مجله را مرتب برای من می فرستد. مقالات شما را

پاسخ گوی پرسشها و اشکالهای خود می دانم»

نکته جالب این که ایشان نوشته بود:

«در آمریکا، مجله ای را دیدم که در آن، مقاله ای درج شده بود،

تحت عنوان «ناخدا» نویسنده آن مقاله، تمام ادله و براهین وجود

خداوند را زیر سؤال برده و مسخره کرده بود.»

این امر باعث شد که من هم مقاله ای تحت عنوان: «با خدا» نوشتم و آن

جوان پس از دیدن این مقاله بنده، اظهار رضایت و غرور کرده بود. به هر حال،

حوزه باید با اهل فکر و مردم گفت و گو داشته باشد. منبر، همیشه در اختیار آقایان

بوده است. کتابهایی هم چاپ شده، ولی روزنامه و مجله این ویژگی را داراست

که به طور منظم با مردم ارتباط و تعامل دارد. بنابراین، مجلات حوزوی و دینی،

باید طوری مطالب را ارائه بدهند که یک عطش و انگیزه برای پی گیری و خرید

مجدد را در خوانندگان به وجود آورند. الحمدلله اکنون، شمار نویسندگان روبه

افزایش است به برکت انقلاب اسلامی و در سایه رشد حوزه، صدها نویسنده به

عرصه آمده اند. در آن زمان، در مکتب اسلام، تعداد نویسندگان به بیش از

انگشتان دست نبود. به هر حال، بایستی برای موفقیت بیش تر و جذب مخاطب، برنامه ریزی شود و راهکارهایی برای این امر و هدف مهم تعریف شود.

به طور کلی نشریه‌ها به گونه‌ای نباید باشند که خوانندگان فقط به توری آنها اکتفا کنند. علاوه بر این، می‌بایست جاذبه‌ها را بررسی و هرچندگاه برای محتوای مجله، نظرسنجی کرد.

البته، درباره محتوا و مطالبی که عرضه می‌شود باید از خوانندگان و دارندگان انگیزه دینی پرسید.

مطلب مهم دیگر شکل ظاهری مجله و طرح روی جلد است که باید از جاذبه خوب برخوردار باشد.

در خصوص محتوا نیز، باید از مطالب و قلم افراد عالم و شناخته شده‌تر استفاده شود.

مطلب دیگر استفاده از ادبیات رساست که احساس می‌کنم، در حال حاضر، در متون موجود، نوعی نویسندگی ثقیل رایج است. یعنی از کلمات غریب استفاده می‌کنند. با وجود این که یک هنر است، ولی باید مطلب به ساده‌ترین وجه بیان شود.

با کمی تأمل در روزنامه‌ها می‌بینیم که سرمقاله‌ها با یک ادبیات روان بیان

می‌شود، روان‌نویسی باید سرلوحه کار مجله‌ها و نشریه‌های دینی و حوزوی قرار بگیرد. حتی کتابهای علمی هم باید به زبان ساده و شیوا بیان شود. مثلاً آن سبکی

که صدرالمتهلین اسفار را نوشته است، با آن سبکی که میرداماد کتابهای فلسفی مختلف، مانند قبسات را نوشته، کاملاً متفاوت است. با آن که مطلب یکی

است، ولی یکی بسیار روان و دیگری بسیار مغلق بیان شده است. مثلاً در کتابهای درسی همین کفایه را مرحوم آخوند خیلی مغلق بیان کرده، ولی ما تقریرات مرحوم

نائینی را که مرحوم کاظمی نوشته می‌بینیم که خیلی روان و خوش بیان است.

به هر حال، در انتخاب عناوین و مطالب نیز باید آن مطالبی مطرح شود که بیش تر مورد نیاز و مبتلا به است.